

سیر تاریخی سبک‌های نگارشی حدیث

مهدی غلامعلی *

چکیده

سبک‌های متعدد و متنوع کتاب‌های حدیثی، دسترنج زحمات و نبوغ بسیاری از علما و محدثان در بستر تاریخ است. گوناگونی سبک‌ها، تحقیق و تتبع را برای محققان هموار کرده است. بسیاری از نوآوران برای خدمت به محققان و حتی خوانندگان عمومی به ابداع گونه‌های جدید و متفاوت با نگارش‌های سابق پرداخته‌اند. مقاله حاضر به بررسی طلوع و غروب شیوه‌های نگارشی حدیث در بستر تاریخ پرداخته است. این پژوهش در دو حوزه حدیثی شیعه و اهل سنت به صورت جداگانه انجام شده است.

کلید واژه‌ها: تاریخ حدیث، سبک‌شناسی، متون حدیثی، نگارش‌های حدیثی.

درآمد

در ابتدای این نوشتار، شناسایی واژه «سبک» و آشنایی با «انواع سبک‌شناسی» در گستره علوم حدیث، ضروری است.

الف. تعریف لغوی «سبک»

فرهنگ نامه نویسان این واژه را برگرفته از زبان عربی دانسته و ترجمان آن را چنین گفته‌اند: گذاختن چیزی را پس از ریختن،^۱ ذوب کردن، شکل دادن، آراستن، شیوه نیک دادن،^۲ شیوه، طرز، قاعده و اسلوب.^۳

* مدرس دانشکده علوم حدیث.

۱. لغت‌نامه دهخدا، ج ۹، ص ۱۳۴۱۲.

۲. فرهنگ معاصر، ص ۲۷۶.

۳. فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۴۰۱۶.

و در توضیح اجمالی این اصطلاح گفته‌اند:

شیوه مشخصی که در انجام گرفتن کاری با ساخته شدن چیزی به کار می‌رود.^۴

ادیبان عصر حاضر، نخستین کسانی هستند که در میان ایرانیان به این واژه توجه ویژه‌ای نموده‌اند. ملک الشعراء بهار در توضیح این واژه چنین می‌نویسد:

«سبک» در لغت تازی به معنی گذاختن و ریختن زر و نقره است و «سبکیه» پاره نقره گذاخته را گویند، ولی ادبای قرن حاضر سبک را مجازاً به معنی «طرز خاصی از نظم یا نثر» استعمال کرده‌اند و تقریباً آن را در برابر «ستیل Style» اروپاییان نهاده‌اند.^۵

با گذشت زمان، این واژه در خدمت دیگر دانش‌ها قرار گرفت و معمولاً آن را همان راه و رسم، روش و اسلوب^۶ می‌دانند. در علوم حدیث نیز گروهی از نویسندگان به بررسی سبک‌ها و مناہج محدثان پرداخته‌اند.

سبک شناسان معاصر سعی می‌کنند تا «شیوه و قالبی که مؤلفان و مصنفان برای کتاب‌های خویش بنا نهاده‌اند و احادیث را در همان پیکره و قالب ویژه ارائه کرده‌اند» مطالعه کنند.

ب. انواع سبک‌شناسی

در نگاهی گذرا به مجموعه نوشتارهای حدیثی درمی‌یابیم که مؤلفان در تدوین و ارائه حدیث، به یک شکل نیستند. معمولاً هر نویسنده‌ای برای خویش شیوه‌ای را ابداع نموده و یا پیروی از شیوه‌های پیشین را برتافته است. بنابراین، امروزه می‌توانیم با بررسی این نگارش‌ها و گونه‌شناسی آنها شاهد دانش «سبک شناخت کتاب‌های حدیث» باشیم.

سبک‌شناسی در علوم حدیث به دو معناست:

۱. سبک شناسی کتاب‌های حدیث: شناختن قالب‌های از پیش تعیین شده مؤلفان و مصنفان در چینش احادیث به هنگام ارائه آنهاست. و به تعبیر دیگر، شناختن شیوه نگارشی حدیث‌نگار را سبک شناسی کتاب‌های حدیث گویند.

۲. سبک شناسی متون احادیث معصومان علیهم‌السلام: مقصود از آن، آشنایی با گویش‌ها (اسلوب گفتاری و چگونگی بیان معصومان علیهم‌السلام و قراین محیطی - تاریخی هر معصوم است؛ به گونه‌ای که بتوان با بررسی متنی و مفردات روایت، انتساب آن را به معصوم حدس زد. این دانش، تنها برای کسانی میسر خواهد شد که سال‌های مدیدی از عمر خویش را صرف بازخوانی متون روایی کرده و بر تاریخ حدیث اشراف کامل داشته باشند.

در این مقاله تنها «سبک‌شناسی کتاب‌های حدیث» بررسی خواهد شد.

۴. همان.

۵. سبک‌شناسی، ج ۱، ص ۱۷.

۶. فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۴۰۱۶.

فارغ از این که نامگذاری برخی از سبک‌های کتاب‌های حدیثی سال‌ها و حتی قرن‌ها پس از درگذشت مؤلفان آن روی داده است، این سؤال خودنمایی می‌کند که تغییر و تبدل سبک‌ها در طول تاریخ، ره‌آورد چیست؟ و چه اموری سبب ظهور و پیدایش سبک‌های جدید و یا افول آنها گردیده‌اند؟ در جواب باید گفت که گذر زمان، نیاز مخاطبان در دوران‌های مختلف، نبوغ مؤلفان، تحولات در سیاست‌های حکومتی، پیشرفت‌های گوناگون، ارتقای سطح علمی جامعه و خلاصه، دگرگونی‌های زمانه، علما را بر آن داشت تا در برخی از سبک‌ها تجدید نظر کرده و با ابداع سبک‌های جدید، حُسن استفاده را از این گونه رویدادها بنمایند.

بنابراین، نوآوری‌های متعددی که امروزه شاهد آن هستیم، رهاورد بسیاری از این گونه تغییرات است. به نظر می‌رسد که بیشتر سبک‌های کتاب‌های حدیثی در طول یکدیگر بوده و به نوعی، مولود سبک سابق خویش به شمار می‌روند. معمول سبک‌های جدید برای جبران کاستی‌های سبک‌های قدیمی ابداع می‌شدند. و چنان ظهور و غروب سبک‌ها را در بستر تاریخ بنگریم، صحت این نظریه را بهتر خواهیم دانست. با بررسی کتاب‌های فهرست و نگارش‌های موجود درمی‌یابیم که نگارش حدیث، تاریخ پر پیچ و خمی را پشت سر گذاشته است. ما در این مقاله سعی می‌کنیم به چگونگی پیدایش گونه‌های مختلف نگارش حدیث «در بستر تاریخ» اشاراتی کوتاه و گذرا داشته باشیم. دامنه کاوش این نوشتار، محدود به کتاب‌های حدیثی است و آنچه مربوط به علوم حدیث می‌گردد، نظیر تراجم، رجال، درایه و... در این مقاله نمی‌گنجد.

۱. سبک‌های حدیث‌نگاری شیعیان

۱ - ۱. نخستین گام‌ها «قرون ۳ - ۱»

ترغیب آموزه‌های شیعی بر نوشتن احادیث، سبب گردید تا از همان سال‌های نخستین پس از رحلت پیامبر نیز به توصیه‌ها و اوامر حکومتی گوش نداده و به جمع‌آوری مطالب حدیثی بپردازند.

الف. اصل‌نگاری و کتاب‌نویسی

پیدایش سبک «اصل‌نگاری» و «کتاب‌نویسی» حاصل نخستین سال‌های نگارش حدیث است.^۷ در قرن‌های اول تا سوم، ده‌ها اصل و کتاب نگاشته شد. بخشی از این نگارش‌ها در مجلس امام و یا با املاى ایشان بر برخی از یاران خویش تدوین گردید.

مشتاقان آموزه‌های دینی اهل بیت علیهم‌السلام همّت خویش را بر شنیدن و سپس نگارش سخنان معصومان مصروف می‌داشتند. آنگاه، بدون هیچ تغییر و یا نظمی، آنچه را که از ایشان می‌دیدند و یا می‌شنیدند، در دفترچه‌ها و اوراق خویش ثبت می‌کردند. با گذشت زمان، این دفترچه‌های یادداشت، «اصل» نام گرفت و با انتساب هر اصل به نویسنده آن، از دیگر اصول ممتاز می‌گردید.

۷. در صورتی می‌توان ادعای دو سبک نمود که اصل و کتاب را با هم متفاوت بدانیم.

معنای لنوی واژه «اصل»، ریشه، بن، بنیان و اساس است^۸ و در اصطلاح علمای حدیث، به کتابچه‌ای از روایات گویند که گردآورنده آن، به‌طور مستقیم، از امام علیه السلام و یا به واسطهٔ راوی، روایاتی را شنیده و در کتاب خویش ثبت و ضبط کرده است.^۹

بایسته است که بدانیم اهتمام گردآورندگان در این مرحله فقط بر این بود تا شنیده‌های خویش را از معصومان علیهم السلام، به رشتهٔ تحریر درآورند و با این روش سخنان ایشان را حفظ کنند و به آیندگان انتقال دهند.

ب. تکنگاری‌های موضوعی

نگارش‌های حدیثی از نیمهٔ سدهٔ دوم هجری تا پایان عصر حضور، شاهد تحولات گوناگونی گردید و چندین سبک جدید ابداع شد. یکی از این سبک‌ها «تکنگاری‌های موضوعی» است. محدثان در این روش سعی می‌کردند اصول اولیه را بر اساس محتوا و مضامین آن، ذیل موضوع واحدی جمع آوری کنند. حاصل این تلاش‌ها کتاب‌های بی‌شماری مانند کتاب‌های ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، احمد بن محمد بن عیسی در موضوعات فقهی و کتاب‌های علی بن اسماعیل میثمی (نوادهٔ میثم تمار، یار شهیر امیر المؤمنین) و هشام بن حکم در موضوع کلام است. ظهور و گسترش سبک «تکنگاری‌های موضوعی» با گرایش‌های کلامی، اخلاقی، و خصوصاً فقهی، از ویژگی‌های عصر صادقین علیهم السلام و پس از آن است.

۱. تکنگاری فقهی

در این دوران، مدینه مرکز علوم اسلامی، بویژه فقه شده بود و این همه، مرهون تلاش‌های علمی صادقین علیهم السلام است. پرورش یافتگان مدرسهٔ این دو امام با سفر به دیگر شهرها به گسترش فقه جعفری پرداخته و یا با نگارش احادیث فقهی امامان اثری جاودانه آفریدند. در دوران امام رضا علیه السلام تلاش‌های فقها به اوج خویش رسید.

ابان بن تغلب، ابو بصیر اسدی، ابو بصیر مرادی، برید بن معاویه عجللی، زرارة بن اعین، عبدالله بن مسکان، عبدالله بن ابی یعفور، محمد بن نعمان معروف به مؤمن طاق و هشام بن سالم از برجسته‌ترین شاگردان فقهی امام باقر و امام صادق علیهم السلام و بعدها نیز افرادی نظیر صفوان بن یحیی، محمد بن ابی عمیر، احمد بن ابی نصر بزنطی، جمیل بن دراج، یونس بن عبدالرحمن و... از فقهای نامور شیعه، کتاب‌های فقهی متعددی را نگاشتند. بسیاری از فقهای امامیه به گردآوری احادیث فقهی در یک موضوع ویژه، اقدام کردند. با جستجو در کتاب‌های منبع‌شناسی در می‌یابیم که بیشترین سبک‌نگارشی اصحاب «تکنگاری‌های فقهی» است. عموم فقهای اولیه و راویان بزرگ، یک یا چند اثر روایی در موضوعات گوناگون فقهی تدوین کرده‌اند؛ مانند کتاب الاذانه، اثر علی بن ابی سهل

۸. فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص ۱۲.

۹. فوائد الوحيد، ص ۳۴؛ عدة الرجال، ج ۱، ص ۹۵؛ نهاية الدراية، ص ۵۲۹؛ معجم مصطلحات الرجال والدراية، ص ۲۳.

قزوینی، کتاب الصلاة (کبیر) از حریر بن عبدالله سجستانی، الصلاة اثر محمد بن اورمه قمی، الموضوع علی بن مهزیار و حسین بن سعید و ...

۲. تک‌نگاری اخلاقی

بیان گفتارهای اخلاقی و موعظه‌ای از سوی معصومان، در طول دوران حضور، کاملاً آشکار است. توجه امامان به ضرورت بازسازی معنوی شیعه، سبب گردید تا احادیث اخلاقی در تمام دوران حضور صادر شود. اندیشمندان شیعی هم با درک چنین ضرورتی به تألیف کتاب‌هایی در موضوعات اخلاق، آداب معاشرت، تهذیب نفس، سیر و سلوک، صفات مؤمن و ... اقدام کردند.

شماری از عناوین تک‌نگاری‌ها در کتاب‌های منبع‌شناسی چنین است:

⊞ الآداب: این عنوان در دو کتاب رجال النجاشی و الفهرست طوسی بسیار دیده می‌شود. به عنوان نمونه، نجاشی در فهرست آثار هفده نفره از روایان و محدثان شیعی، از کتاب‌هایی با عنوان الآداب یاد می‌کند. شیوع این‌گونه، نشانگر شیوه‌ای متداول در میان اصحاب بوده است. بخشی از این کتاب‌ها عبارت‌اند از: الآداب والدلالة علی الخیر (یونس بن عبدالرحمان)، التصریف کتاب فی الآداب (بکر بن محمد مازنی م ۲۴۸ق) السنن والآداب (اسماعیل بن موسی بن جعفر رضی الله عنه)، السنن والآداب و مکرم الاخلاق (محمد بن الحسن بن شمون م ۲۵۸)، الآداب (العباس بن معروف)، کتاب الآداب (صفوان بن یحیی).^{۱۰}

⊞ الزهد: نوشتن کتاب‌هایی با نام «زهد» در میان شیعه و سنی رواج چشمگیری داشته است. این عنوان که به صورت مستقل در فهرست آثار بسیاری از نویسندگان معروف دیده می‌شود، بعدها به صورت یکی از فصل‌های جوامع روایی درآمد.

افرادی همچون حسین بن سعید اهوازی، حسن بن محمد بن سماعة کندی، محمد بن اورمه قمی، معمر بن خالد، محمد بن الحسن الصفار و یونس بن عبدالرحمن از جمله نویسندگان شیعی هستند که کتاب الزهد نگاشته‌اند.

⊞ المؤمن: در میان کتاب‌های منبع‌شناسی، تک‌نگاری‌های روایی بسیاری را می‌بینیم که در موضوع «مؤمن» تدوین شده‌اند. این آثار روایی - که ظاهراً بیشتر به انگیزه فرهنگ‌سازی منتشر می‌شدند - از اهتمام امامان، روایان و نویسندگان به شخصیت مؤمن حکایت می‌کند.

اسامی بخشی از این کتاب‌ها عبارت‌اند از: حق المؤمن علی أخیه، حب المؤمن، زیارة المؤمن، حرمة المؤمن (هر چهار اثر از حسین بن عبدالله سعدی)، حقوق المؤمنین و فضلهم (حسین بن سعید اهوازی)، صفة المؤمن والفاجر (اسماعیل بن مهران سکونی)، المؤمن (محمد بن الحسن الصفار)، المؤمن (احمد بن محمد القمی). گفتنی است که بسیاری از این کتاب‌ها به دست ما نرسیده‌اند.

⊞ دیگر عناوین: عناوین مربوط به تک‌نگاری‌های اخلاقی بسیار زیاد است که معمولاً در

موضوع تمامی عناوین مثبت و ممدوح، یک کتاب روایی شکل گرفته است. هر چند عناوینی مربوط به مسلمان (المسلم)، مکارم الأخلاق، النفس، المعاشرة، المحبة، التجل والمرؤة^{۱۱} از تألیفات بیشتری برخوردارند.

۳. تک‌نگاری کلامی

از نیمه دوم قرن اول، گروه‌های متعدد کلامی، یکی پس از دیگری، تولد یافتند. ظهور این گروه‌ها معمولاً پس از حوادث و وقایع گوناگون رخ می‌داد. امامان به مبارزه با هرگونه افکار انحرافی پرداختند. روایان و محدثان نیز فرصت را غنیمت شمرده و به ثبت و ضبط بیانات کلامی و مناظرات معصومان علیهم‌السلام می‌پرداختند. ره‌آورد این تلاش ارزشمند، نگارش ده‌ها عنوان کتاب کلامی گردید. برخی عناوین مشترک در تک‌نگاری‌های کلامی عبارت‌اند از: کتاب‌هایی با موضوعات اصول دین، کتاب‌های ردیه و ...

به عنوان نمونه، سهل بن زیاد، علی بن احمد کوفی، محمد بن ابی عمیر، هشام بن حکم، محمد بن حسین زیات هر یک کتابی با عنوان التوحید نگاشته‌اند. گفتنی است که تنها در کتاب رجال النجاشی ۷۳ کتاب در موضوع توحید از نویسندگان سه قرن اول گزارش شده است.^{۱۲} همچنین، بر اساس آماري که یکی از محققان ارائه کرده است،^{۱۳} فقط در کتاب رجال النجاشی ۹۹ کتاب را مصنفان و محدثان شیعی در سه قرن نخست به موضوع امامت اختصاص داده‌اند که بخش مهمی از این شمارگان، کتاب‌های روایی اصحاب است. گروهی از افرادی که کتابی با عنوان الامامة نگاشته‌اند، عبارت‌اند از: علی بن اسماعیل التمار، عبدالله بن جعفر الحمیری، سعد بن عبدالله اشعری، هشام بن حکم، یونس بن عبدالرحمن، فضل بن شاذان، عبدالله بن مسکان و ...

پ. الکتب الثلاثین

آخرین سبکی که در مرحله نخست تدوین بنا نهاده شد، «الکتب الثلاثین» است که توسط چند تن از معاریف اصحاب امام رضا علیه‌السلام گسترش یافت. صاحبان این نوع کتاب‌ها سعی می‌کردند تا احادیث را در سی موضوع (بیشتر فقهی) از اصول و یا روایان طبقه قبل جمع آوری نمایند. اولین کسانی که به طور گسترده به موضوعی نمودن «اصل‌ها» اقدام کردند، حسن و حسین بن سعید اهوازی کوفی بودند. آنها سی کتاب را در سی موضوع نگاشتند. ایشان اولین کسانی هستند که زمینه‌های «جوامع نویسی» را در شیعه فراهم کردند. ابداع این سبک، اگرچه کاری اشتراکی است، اما

۱۱. به عنوان نمونه، کسانی که با عنوان «التجل» «المرؤة» و یا «التجل والمرؤة» نگارش مستقلی دارند، عبارت‌اند از: صدقة بن بندار قمی، علی بن مهزیار، محمد بن اورمه قمی، محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین، محمد بن الحسن بن مثنی، اسماعیل بن محمد مخزومی، احمد بن محمد قمی، قاسم بن حسن بن علی بن یقظین، حسین بن سعید اهوازی، محمد بن الحسن الصفار و علی بن محمد بصری.

۱۲. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۳۷۸-۳۸۳.

۱۳. همان، ص ۳۸۵-۳۹۲.

شهرت آن همواره برای حسین باقی ماند.

سی موضوعی که حسین بن سعید گردآوری کرده بود، عبارت‌اند از:

کتاب الوضوء، کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الصوم، کتاب الحج، کتاب النکاح والطلاق، کتاب الوصایا، کتاب الفرائض، کتاب التجارات، کتاب الاجارات، کتاب الشهادات، کتاب الايمان والنذور والكفارات، کتاب الحدود والديات، کتاب البشارات، کتاب الزهد، کتاب الاشرية، کتاب المکاسب، کتاب التقیة، کتاب الخمس، کتاب المروة والتجمل، کتاب الصيد والذبائح، کتاب المناقب، کتاب المثالب، کتاب التفسیر، کتاب المؤمن، کتاب الملاحم، کتاب المزار، کتاب الدعاء، کتاب الرد علی الغالیة و کتاب العتق والتدبیر.^{۱۴}

بعدها، دیگرانی نیز به روش این دو برادر، سی کتاب را در سی موضوع نگاشتند. علی بن مهزیار،^{۱۵} محمد بن أورمه قمی،^{۱۶} موسی بن القاسم بن معاویه بن وهب البجلي،^{۱۷} یونس بن عبد الرحمان،^{۱۸} محمد بن الحسن الصفار،^{۱۹} محمد بن علی بن ابراهیم القرشی الصیرفی،^{۲۰} محمد بن سنان^{۲۱} از جمله کسانی هستند که نویسندگان کتاب‌های فهراس در توصیف آنها می‌گویند که سی کتاب مانند کتاب‌های حسین بن سعید نگاشته‌اند.

صفوان بن یحیی، استاد حسین بن سعید هم سی کتاب در سی موضوع نگاشته است، اما شیخ طوسی در وصف او نیز نوشته است:

له کتب کثیرة مثل کتب الحسین بن سعید.^{۲۲}

با توجه به محوریت کتاب‌های حسین بن سعید می‌توان گفت که کتاب‌های او، نسبت به دیگرانی که پیش از او و یا هم زمان او بوده‌اند، از ویژگی خاصی برخوردار بوده است. احتمال دارد که حسین بن سعید اولین کسی باشد که سی کتاب مورد اشاره را در یک مجموعه یگانه (بین الدفتین) قرار داده است و یا این‌که تلاش او فراتر از کارهای مشابه بوده و از جهت اثنان توانسته مقبولیت عمومی را به خود جلب کند؛ چه این‌که احادیث کتاب‌های حسین بن سعید معیار سنجش دیگر احادیث بوده است.^{۲۳}

۱۴. الفهرست، ص ۱۱۲، ش ۲۳۰.

۱۵. همان، ص ۱۵۲، ش ۳۷۹.

۱۶. همان، ص ۲۲۰، ش ۶۲۰.

۱۷. همان، ص ۲۴۳، ش ۷۱۸.

۱۸. همان، ص ۲۶۶، ش ۸۱۳.

۱۹. همان، ص ۲۲۰، ش ۶۲۱.

۲۰. همان، ص ۲۲۳، ش ۶۲۴.

۲۱. همان، ص ۲۱۹، ش ۶۱۹.

۲۲. همان، ص ۱۴۶، ش ۳۵۶.

۲۳. همان، ص ۲۲۰، ش ۶۲۰؛ رجال النجاشی، ص ۳۲۹.

گفتنی است که شیوه «مبوّب» نگاری و «مصنّف» - که در عصر امامان متأخر گزارش شده - احتمالاً تنها به موضوعی نمودن احادیث در دامنه‌ای کمتر از «سی کتاب‌نویسی» می‌پرداخته و نباید چندان تفاوتی با یکدیگر داشته باشند، بویژه این‌که کتاب‌های مبوّب نیز معمولاً فقهی بودند؛ مانند کتاب مبوّب فی الفرائض از رفاعه بن موسی^{۲۴} و کتاب‌های برخی از راویان موسوم به مبوّب فی الحلال والحرام.

۲- ۱. عصر شکوفایی «قرون ۵ - ۳»

این مرحله از زمان غیبت صغرا آغاز و تا سال‌های پایانی قرن پنجم ادامه داشت. در این دوران، جامعه فرهنگی شیعه شاهد خیزش گسترده علمی و نوآوری‌های متعدد بود. محدثان برای احیای اصول و کتاب‌های اولیه، اقدام به جمع آوری کتاب‌های راویان کردند و سپس، سبک‌های مختلفی را پایه‌گذاری نمودند که می‌توان به این سبک‌ها اشاره کرد:

ت. تفسیرهای مأثور

تفسیر روایی، تفسیری است که در بر دارنده مجموعه احادیثی در تبیین و توضیح آیات قرآنی است. این‌گونه احادیث می‌تواند بیانگر شأن نزول، چگونگی قرائت، تأویلات و تفسیر معانی آیات باشند.^{۲۵} تدوین تفسیر روایی در سده‌های پیشین هم به صورت بسیار محدود متداول بوده است؛ به عنوان نمونه، زیاد بن منذر، معروف به ابی الجارود (م ۱۵۰ق) از یاران امام باقر^{علیه السلام}، احادیث تفسیری ایشان را در مجموعه‌ای به نام التفسیر تدوین نموده بود.

اما در قرن سوم تا قرن پنجم نگارش احادیث تفسیری قوّت و نظم بیشتری یافت. گذشته از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری^{علیه السلام} - که در سال‌های ۲۵۴ تا ۲۶۰ هجری نگارش یافته است - چهار تفسیر روایی نیز در این قرن‌ها تدوین شده که تاکنون باقی مانده‌اند.

مؤلفان این تفاسیر روایی عبارت‌اند از: علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (زنده در ۳۰۷ق)، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم کوفی (زنده در ۳۰۷ق)، محمد بن مسعود عیاشی (م ۳۲۰ق) و محمد بن ابراهیم کاتب نعمانی قرن چهارم.

ث. جامع‌نویسی

واژه «جامع» در زبان عربی، از لحاظ گستردگی معنا، بر مفاهیمی که در آنها نوعی شمولیت و فراگیری وجود دارد، اطلاق می‌گردد. و در سبک‌شناسی نیز آن را چنین وصف کرده‌اند:

هی الکتب التي جمع فيها الأحادیث علی ترتیب أبواب الفقّه. ۲۶

۲۴. رجال النجاشی، ص ۳۰۴.

۲۵. برگرفته از آیین‌نامه گروه تفسیر پژوهشکده دارالحدیث: المراد من الأحادیث التفسیریة، کل ما یتعلّق بشأن من شؤون الآی القرآنیه فی ایضاحها، سواء أکان متعلّقاً بنزولها أم بقراءتها أو بیان معناه.

۲۶. نهایة الدراية، ص ۱۷۵.

و در تعریفی دیگر آورده‌اند:

جوامع حدیثی بر کتبی اطلاق می‌شود که از اصل‌های حدیثی تدوین شده و سعی شده که حاوی مجموعه احادیث باشد.^{۲۷}

بنابراین، کتاب‌های چهار گانه شیعه مهم‌ترین جوامع حدیثی هستند که در این دوران نگاشته و تاکنون جاودانه مانده‌اند. سرآمد جامع نویسان این عصر راباید کلینی (م ۳۲۹ق) و برقی (م ۲۷۴ق) دانست که با نوشتن دو کتاب ارزنده الکافی و المحاسن احادیث متعددی را در موضوعات فقهی و غیر فقهی جمع نمودند.^{۲۸} مرحوم آقا بزرگ تهرانی چهل و هشت صفحه (۲۷ تا ۷۵) از جلد پنجم الذریعة را به کتاب‌های الجامع اختصاص داده است. بخش قابل توجهی از این اسامی کتاب‌های جامع احادیث است؛ برای نمونه، الجامع فی انواع الشرایع، حمید بن زیاد دهقان (م ۳۱۰ق)، الجامع فی الفقه، حسن بن زید بن محمد صاحب طبرستان (م ۲۷۰ق)، الجامع فی ابواب الشریعة، حسن بن علی قمی (م ۳۴۳ق)، الجامع فی الحدیث عنوان مشترک برای آثار محدثانی چون محمد بن احمد بن یحیی، محمد بن حسن بن ولید (م ۳۴۳ق)، محمد بن احمد بن عبدالله صفوانی (شاگرد کلینی)، ابومحمد طبری مرعشی (م ۳۵۸ق)، ابوظاهر وراق حضرمی، حسن بن احمد بن محمد بن هشیم عجلی (استاد نجاشی) و ...

چ. فقه ماثور

دیگر سبک مولود این دوران فقه ماثور است. فقه اثری محصولی از اجتهاد فقیه در حوزه بازکاوی روایات صحیح و حجیت‌دار است. این سبک حد فاصلی بین «اصل‌نگاری» و «فقه تفریعی» است. جامعه شیعی، پس از پایان یافتن عصر حضور، نیازمند کتاب‌های معتبری بود که مسائل حلال و حرام را در برداشته باشد. از این رو، شماری از بزرگان اقدام به تألیف کتاب‌هایی نمودند که احادیث فقهی مورد نیاز مردم را در برداشت.

التکلیف، فقه الرضا المقنع، الهدایة، المقنعة، النهایة، دعائم الاسلام، نوادر احمد بن محمد بن عیسی و ... به همین سبک، نگارش یافتند. همچنین، مجلدات فقهی کتاب‌های چهارگانه شیعه نیز در ردیف سبک «فقه ماثور» است.

ز. امالی

امالی یکی دیگر از سبک‌های نوظهور این دوران است که عمر بسیار کوتاهی را طی نمود. صدوق، مفید، طوسی به این شیوه احادیث بسیاری را بر شاگردان خویش املا کردند که تا امروز نیز باقی مانده است.

۲۷. درایة الحدیث، ص ۲۷.

۲۸. گفتنی است که اکثر جامع نویسان، عناوین ابواب کتاب‌هایشان را همان موضوعاتی قرار دادند که پیش‌تر حسین بن سعید آنها را در کتاب‌های سی‌گانه‌اش آورده بود.

در این شیوه، استاد احادیثی را به کمک حافظه و یاکتاب خویش در مجالس متعدد برای شاگردانش املا می‌کرد و آنان نیز معمولاً پیش از آغاز هر جلسه گزارشی از مکان و زمان برپایی مجلس ذکر کردند. از این گونه گزارش‌ها در آلمانی شیخ صدوق می‌توان دریافت که شیخ صدوق، طی ۹۷ جلسه توانسته است ۱۰۴۹ حدیث را برای طالبان حدیث املا کند. این مجالس، بیشتر در ری، نیشابور و مشهدالرضا^ع بین ۱۸ رجب ۳۶۷ تا ۱۹ شعبان ۳۶۸ق، دایر بوده است. جلسات شیخ صدوق در روزهای سه‌شنبه و جمعه هر هفته برپا می‌شده است.

ح. سبک ادعیه و مزار نویسی

بیشتر مؤلفان شیعه و برخی از مؤلفان سنی نسبت به نگارش مجموعه‌هایی که حاوی ادعیه و ارتباط با خدا باشد، همت گماشته‌اند. این مجموعه‌ها بیشتر مأثور بوده و دعا‌های آن از جانب معصومان^ع به دست ما رسیده است؛ مانند: الدعوات از محمد بن مسعود عیاشی، النجاة فی الدعوات عن الفقیه از علی القمی، الدعوات عن زین العابدین، اثر سید ابوالقاسم زید بن اسحاق جعفری، ادعیه الموقوف از شیخ صدوق و الذکر، اثر سعدبن عبدالله اشعری.

از همان قرون اولیه که این سیره متداول بوده، شیعیان، غیر از کتاب‌های ادعیه، کتاب‌هایی را هم در موضوع فضایل زیارت، زیارت اهل بیت^ع و ... جمع‌آوری نمودند که به مزار شهرت یافته است. جعفر بن محمد بن قولویه قمی (م ۳۶۸ق) با تدوین کامل الزیارات، محمد بن احمد بن داود قمی (م ۲۶۸ق) با تدوین المزار الکبیر، شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) با نگارش الدعاء و المزار، شیخ مفید (م ۴۱۳ق) با تدوین المزار و شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) با گردآوری مصباح المتهجد از پیشکسوتان این سبک هستند.

خ. سیره‌نگاری و مقتل نویسی

این شیوه نیز از روش‌های نگارشی است که در این قرن‌ها شکوفا شد. نصر بن مزاحم منقری (م ۲۱۲ق)، ابن هلال ثقفی (م ۲۸۳ق)، احمد بن اسحاق یعقوبی (زنده در ۲۹۲)، ابن اعثم کوفی (م ۳۱۴ق)، شیخ مفید (م ۴۱۳ق) از تلاشگران این سبک هستند. در این میان می‌توان از کتاب‌های الجمل، صفین و مقتل الحسین، اثر نصر بن مزاحم و الارشاد و الجمل از آثار شیخ مفید یاد کرد.

۳- ۱. مرحله فترت و رکود «حدود قرون ۱۰ - ۵»

از آنجا که سبک‌های مختلف و متنوعی در مرحله قبل پدید آمده بود، در این مرحله بیشتر نویسندگان در همان چارچوب‌های تعیین شده قبلی گام برداشتند. بنابراین، ما کمتر شاهد پیدایش سبک‌های جدید هستیم.

البته در این دوران نسبتاً طولانی فعالیت‌هایی را می‌توان دید که در خدمت حدیث و علوم حدیث

بودند؛ اما پیدایش سبک‌های جدید در کتاب‌های حدیثی بسیار اندک است.

د. اربعین‌نویسی

ابتدا به این سبک اشاره می‌کنیم. گردآوری چهل حدیث در یک موضوع واحد را اربعین‌نویسی یا اربعینیات گویند. حدیث نبوی مشهور «من حفظ من امتی اربعین حدیثاً بعثه الله يوم القيامة فقیهاً عالماً» مهم‌ترین انگیزه پیدایش نگارش‌های اربعین‌نویسی است. این سبک، در شیعه از قرن پنجم، توسط ابو سعید خزاعی آغاز و تاکنون ادامه یافته است. هر چند به منظور دسته‌بندی‌های علمی کتاب‌های عددی احادیث در زمره «تک‌نگاری» محسوب می‌شود، اما اربعینیات به علت گستره وسیع آن در تألیف، از جایگاه مستقل و بسزایی در میان شیعه و سنی برخوردار شده است.

برخی از اربعینیات در مرحله سوم تدوین حدیث عبارت‌اند از:

الاربعین از ابو سعید خزاعی (قرن ۵)، الاربعون حدیثاً عن اربعین شیخاً من اربعین صحابياً فی فضائل امیر المؤمنین، نوشته منتجب الدین رازی (م ۵۸۵ق)، الاربعین از ابن زهره حلبی (م ۶۳۹ق) و الاربعون حدیثاً از شهید اول (م ۷۸۶ق)، نیز در این دوران گردآوری شده است.

ذ. مناقب‌نویسی

نویسندگان شیعه بر پایه اعتقادات خویش، بر حقانیت اهل بیت علیهم‌السلام اقدام به جمع آوری احادیثی در تأیید فضایل ایشان نمودند. در این گونه کتاب‌ها به کرامت‌ها و خصوصیات که نشانگر برتری امامان بوده، اشاره شده است. بسیاری از این آثار با انگیزه سیاسی و فرقه‌ای انجام شده و به گونه‌ای در مقابل سبک فضایل‌نویسی اهل سنت نگارش می‌یافتند.

نمونه‌ای از کتاب‌های مناقب این دوران، الثاقب فی المناقب از ابن حمزه طوسی (م ۵۶۰ق)، الخرائج و الجرائح، نوشته قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ق)، مناقب آل ابی طالب، اثر ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق)، فضایل شاذان بن جبرئیل (حدود ۶۶۰ق)، طرف من الابناء و المناقب فی شرف سید الانبیاء و عترته الاطائب از سید بن طاووس (م ۶۶۴ق) و کشف الغمّة فی معرفة الائمة علیهم‌السلام، اثر علی بن عیسی الاربلی (م ۶۹۳ق) است.

گذشته از دو سبک فوق، «تک‌نگاری»های متعددی هم در این زمان تدوین شده است. البته باید دانست که تک‌نگاری‌ها در تمام دوره‌ها عرضه می‌شده است. در مرحله سوم نگارش‌های حدیثی شیعه، تک‌نگاری‌های اخلاقی زیبایی انجام شده که قابل توجه است؛ مانند: مکارم الاخلاق؛ حسن بن فضل طبرسی (م ۵۴۸ق)، اعلام الدین دیلمی (م ۷۱۱ق)، روضة الواعظین قتال نیشابوری (ش ۵۰۸)، مشکاة الانوار علی بن الحسن بن الفضل طبرسی (اوایل قرن هفتم).

آخرین سبکی که شایسته است در این مرحله به آن اشاره شود، گسترش نگارش «ادعیه مأثور» است. در این دوران، به همت محمد بن مشهدی (م ۶۱۰ق)، سید بن طاووس (م ۶۶۴ق)، شهید اول (م ۷۸۶ق)، ابراهیم بن علی کفعمی (م ۹۰۵ق) و ... دامنه این سبک گسترش ویژه‌ای یافت. سید

بن طاووس، به عنوان بزرگ‌ترین محدث قرن هفتم، بیشترین نگارش‌های ادعیه و مزار را در میان شیعیان انجام داده است. او با دیدهای مختلف و عنایت به تفکیک مناسب، کتاب‌های ادعیه بسیاری را برای ما به یادگار گذاشته است. الإقبال بالأعمال الحسنة، جمال الأسبوع، الدرر والواقية، فتح الأبواب، فلاح السائل، المجتبی من دعاء المجتبی، مصباح الزائر و مهج الدعوات کتاب‌های اوست.

۴ - ۱. شکوفایی دوباره «حدود قرون ۱۴ - ۱۱»

رویگرد به ابداع سبک‌های جدید و گسترش تدوین کتاب‌های حدیثی، در این مرحله از یک جهش وخیزش فوق‌العاده‌ای بر خوردار بود که همزمان بودن حکومت صفویه را می‌توان از عوامل مؤثر آن دانست. در این دوران، نگارش‌های علوم حدیث (رجال، درایه، فقه الحدیث و ترجمه) نیز رشدی بالنده داشت. در حوزه آثار حدیثی بسیاری از سبک‌های پیشین مجدداً احیا شد.

ر. موسوعه‌نگاری

موسوعه‌نگاری یا جوامع فراگیر مهم‌ترین سبک این دوران است که در رشته‌های مختلف، نظیر: فقه، تفسیر، اخلاق و حدیث بروز داشته است. این سبک، تحولی بزرگ را در جامعه علمی شیعه پی‌ریزی نمود. موسوعه‌ها را می‌توان، با اندکی تسامح، نسل پیشرفته جوامع دانست. با این تفاوت که اولاً، در دست موسوعه نگاران، به جای اصول اولیه، کتاب‌های حدیثی است که در طول هزار سال گردآوری شده‌اند. ثانیاً، هر کدام در یک یا چند گرایش خاص تدوین شده‌اند. از این رو، گستره دامنه احادیث موسوعه‌ها چندین برابر جوامع اولیه است.

از مهم‌ترین موسوعه‌های حدیثی در این مرحله می‌توان به: بحار الأنوار، الوافی در دایره جوامع حدیثی، وسائل الشیعة در احادیث فقهی، و تفسیر نور الثقلین و البرهان در تفسیر اثری اشاره کرد. گفتنی است که موسوعه‌های نگارش یافته در دوران معاصر، بیشتر به معاجم موضوعی شبیه هستند؛ چه این‌که مؤلفان آنها احادیث را بیشتر به صورت موضوعی و الفبایی تنظیم نموده‌اند؛ مانند: میزان الحکمة و آثار الصادقین علیه السلام.

ز. مستدرک‌نویسی

این روش از دیگر سبک‌هایی است که در اواخر این دوره در بین شیعیان، به تبعیت از سنیان، بروز نموده است. مستدرک کتابی است که به عنوان متمم کتابی دیگر و با همان شروط، احادیثی را که از کتاب قبلی فوت شده، گردآوری نموده باشد.^{۲۹}

مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل، اثر میرزا حسین نوری طبرسی (م ۱۳۲۰ق)، مستدرک سفینة البحار، اثر شیخ علی نمازی و نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه از محمدباقر محمودی از آن جمله است.

۲. سبک‌های حدیث‌نگاری اهل سنت در گذر زمان

کتاب‌های حدیثی سنن نیز در طول تاریخ، فراز و نشیب‌هایی متفاوتی را شاهد بوده است. به نظر می‌رسد که تعداد عناوین سبک‌های نگارشی آنان نسبت به شیعیان فزون‌تر باشد؛ هرچند این تعدد عناوین زایدۀ عوامل گوناگونی است، اما باید دانست که اولاً، در برخی از سبک‌ها به قدری روایات تکراری و مشابه وجود دارد که ملال‌آور شده است. ثانیاً، گاه برای فایده‌ای بسیار اندک سبکی در برهه‌ای از زمان به وجود آمده است و همین ضعف سبب ناپایداری آن گردیده است. اینک سبک‌های حدیث‌نگاری ایشان را در مراحل مختلف تدوین برمی‌کاویم:

۱ - ۲. دوره تدوین‌های ابتدایی

ژ. جزءنویسی

در مرحله نخست، پس از نهضت جمع آوری احادیث در میان سنن - که پس از سال ۱۰۱ هجری رخ داد - آنان اقدام به جمع آوری و صرفاً کتابت احادیثی نمودند که در حافظه‌ها باقی مانده بود. بنابراین، مهم‌ترین سبکی که در این دوران نمایان شد، «جزءنویسی» است که تقریباً همسان اصل و کتاب در بین شیعیان است.

در تعریف جزء چنین آورده‌اند:

الجزء: تألیف الأحادیث المروية عن رجل واحد من الصحابة أو من بعدهم و قد اختارون من المطالب المذكورة في صفة الجامع مطلباً جزئياً يصنفون فيه مسوفاً و فوائد حدیثية ايضاً. ۳۰

بنابراین، جزء بسیط‌ترین و ساده‌ترین نگارش در میان سبک‌های نگارشی است که معمولاً احادیثی را درباره یک موضوع بسیار جزئی دربر دارد.

این شیوه، عمری نسبتاً طولانی داشته و تا قرن‌ها بعد نیز از این سبک پیروی شده است. از نخستین اجزای نگارش یافته می‌توان به جزء سفیان بن عیینة کوفی (م ۱۹۹ق) و جزء اشیب بغدادی (م ۲۰۹) اشاره کرد که مجموعه احادیثی است که از آن دو شنیده شده است.

اجزاء به گونه‌های مختلفی مانند عددی، مسنده، موضوعیه و ... تقسیم می‌شوند.

جزء المومل، جزء نافع، جزء فی احادیث ابن حبان و احادیث ابی الزبیر، همگی از اجزای مسنده و اجزاء آداب الصحبة، احادیث الشعر، الادب المفرد، الدعاء (ابن فضیل، طبرانی)، الزهد (ابن ابی عاصم، ابن حنبل، ابن المبارک و ...) و عمل الیوم و اللیلة در شمار اجزای موضوعیه‌اند.

۲ - ۲. دوره نظم‌دهی

همزمان با دوره تدوین‌های ابتدایی ویا مرحله تجمیع، برخی از محدثان تنها به گردآوری احادیث

بسنده نکرده و سعی در تنظیم مجموعه‌های نخستین داشتند.

در این مرحله، بنای سنیان بر تنظیم منطقی نگارش‌های پیشین بود. البته آنها سعی کردند تا روایات را بیشتر در موضوعات گوناگون جمع نموده و سپس با اضافه نمودن سخنان صحابه و فتاوای تابعان بر غنای کتاب‌ها بیفزایند. حاصل دسترنج آنها در قالب کتاب‌هایی نظیر موطأ پدیدار شد. شهیرترین کتاب، الموطأ اثر مالک بن انس (م ۱۷۹ق) است. ابواسحاق مدائنی (م ۱۸۴ق)، عبدالله بن وهب بن مسلم (م ۱۹۸ق) و عبدالله بن محمد بن عیسی مروزی (م ۲۹۳) نیز کتاب‌هایی به سبک و عنوان موطأ نگاشته‌اند.

س. مسندنویسی

این شیوه، نخستین نظمی است که در قالب یک سبک منسجم آشکار شد. پایه‌گذار این شیوه ابوداود طیالسی (م ۲۰۴ق) است.

مسندنویسی آسان‌ترین روش تنظیم کتاب‌های اولیه است؛ چرا که مسندنویسان فقط احادیث را به ترتیب صحابه (به روش حروف الفبایی نام آنان و پایه مراتب سابقه اسلامی و یا به ترتیب نام قبایل و...) جمع‌آوری می‌کنند؛ به این صورت که به دنبال نام هر صحابی، تمام مرویات او از پیامبر خدا ﷺ را، اعم از صحیح، حسن و ضعیف، گرد می‌آورند.^{۳۱}

طلایه‌داران این دوران کسانی همچون طیالسی (م ۲۰۴ق)، عیسی (م ۲۱۳ق)، مسرهد (م ۲۲۸ق)، حمیدی (م ۲۱۹ق)، ابن حنبل (م ۲۴۱ق)، ابن الجعد (م ۲۳۰ق) و... هستند. گفتنی است که بزرگ‌ترین و مشهورترین مسند، مسند ابن حنبل است.

ش. مصنف‌نگاری

دومین سبکی که در این دوران ظهور یافت، سبک «مصنف‌نگاری» است. در کتاب‌های مصنف معمولاً احادیث مرفوع، موقوف و مقطوع را نقل می‌کنند. بنابراین، مراسیل، معلولات، معطلات و... در این شیوه به چشم می‌خورد. *تال جامع علوم انسانی*

کتاب‌های مصنف براساس ابواب فقهی و بیشتر به عنوان کتاب مرجع برای مفتیان است. معمولاً صاحبان این مصنف‌ها کتابی دیگر نیز دارند که برپایه احادیث کتاب مصنف خویش فتوا داده و اجتهادات خود را بیان می‌کنند.

المصنف عبدالرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱ق) و المصنف ابی بکر بن ابی شیبه (م ۲۳۵ق) از معروف‌ترین مصنف‌هاست.

ص. معجم‌نویسی

این سبک منحصر به فرد سنیان نیز در پایان این مرحله و به همت طبرانی (م ۳۶۰ق) شکل گرفت.

الرسالة المستطرفة معجم را این‌گونه تعریف کرده است:

كتب المعاجم؛ جمع معجم وهو فى اصطلاحهم ماتذکر فيه الاحادیث على ترتیب الصحابة أو الشيوخ أو البلدان أو غیر ذلك والغالب ان يكونوا على حروف الهجاء.^{۳۲}

معجم سه‌گانه ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ق) از مشهورترین معاجم است. او در المعجم‌الصغیر و المعجم‌الاوسط احادیث را براساس نام استادان حدیثش منظم کرده و در المعجم‌الکبیر مسندهای صحابه را به ترتیب حروف الفبای نام آنان دربر گردآورده است. گفتنی است که معجم از جهات متعددی شبیه به مسانید است.

۳ - ۲. دوره ارزش‌گذاری و گزینش

هم‌افق‌بودن اندیشه‌های عالمان سنی با حاکمان خویش از سویی و گستردگی کفی جمعیت ایشان سبب‌گردید تا سبک‌های متعددی در طول و عرض یکدیگر هر روز نمایان شوند. قرن‌های سوم تا پنجم، قرن‌های پیدایش بسیاری از سبک‌های مهم و اساسی سنیان است.

محدثان و نویسندگان، در این دوران، بیشتر به جدا سازی احادیث صحیح از غیر صحیح، احادیث نبوی از غیر نبوی و فقهی از غیر فقهی اهتمام ورزیدند. از این رو، این مرحله را می‌توان مرحله «ارزش‌گذاری» و «گزینش» نامید.

ص. صحاح‌نگاری و سنن‌نویسی

در نیمه دوم این مرحله - که از اوایل قرن سوم آغاز می‌گردد - به مهم‌ترین مرحله ابداعی سبک‌ها برمی‌خوریم؛ چرا که سبک‌ها از حالت‌های شکلی و ساده بیرون آمده و بسیاری از نگارش‌ها بر محور محتوا پدید آمد.

در این دوران، به همت کسانی همچون بخاری (م ۲۵۶ق)، مسلم (م ۲۶۱ق)، ابوداود (م ۲۷۵ق)، ابن‌ماجه (م ۲۷۳ق)، ترمذی (م ۲۷۹ق) و نسایی (م ۳۰۳ق) مهم‌ترین کتاب‌های حدیثی نمودار شد و ایشان تنها به تتبع و جمع‌آوری و یا صرفاً موضوع‌بندی نپرداخته، بلکه با مبانی ویژه خویش، اقدام به پالایش و گزینش احادیث صحیح کرده‌اند.

دو سبک مهم «صحاح‌نگاری» و «سنن‌نویسی» حاصل تلاش حدیث‌پژوهان این دوره است. مؤلفان صحاح (جمع صحیح)، ابتدا مبانی خویش را برای صحت حدیث در نظر می‌گرفتند و سپس احادیث را مطابق با همان مبانی خویش گزینش و مَبُوب می‌نمودند. مشهورترین و معتبرترین کتاب‌های سنیان «صحاح» است و در میان مجموعه کتاب‌های صحاح، صحیح البخاری و صحیح مسلم، مشهور به صحیحین، مهم‌ترین کتاب‌های حدیثی ایشان است.

سنن‌نویسان هم سعی می‌کردند مجموعه‌ای از احادیث فقهی را به ترتیب ابواب فقهی تنظیم

نمایند، آنان در سنن‌ها از اخبار موقوف استفاده نمی‌کردند؛ چرا که موقوف را «سنت نبوی» نمی‌دانند. این‌گونه کتاب‌ها معمولاً از باب الایمان، الطهارة، الصلاة والزکاة آغاز می‌گردد.^{۳۳}

مشهورترین کتاب‌های سنن - که به «سنن چهارگانه» معروف‌اند عبارت‌اند از:

۱. السنن، اثر ابوداود سلیمان بن اشعث ازدی سجستانی.

۲. السنن، اثر ابوعبدالله محمد بن یزید قزوینی، معروف به «ابن ماجه».

۳. السنن (الجامع الصحیح)، اثر محمد بن عیسی بن سؤزه ترمذی.

۴. السنن (المجتبی)، اثر ابوعبدالرحمن احمد بن شعیب نسایی.

ض. جامع نگاری

شایسته است در اینجا به سبک «جامع‌نگاری»، یکی دیگر از سبک‌های این دوران، اشاره‌ای مختصر داشته باشیم. در تعریف جامع چنین نوشته‌اند:

الجامع عندهم ما يوجد فيه من الحديث جميع الأنواع المحتاج إليها من العقائد والأحكام والرفاق وأداب الأكل والشرب والسفر والمقام وما يتعلق بالتفسير والتاريخ والسير والفتن والمناقب والمثالب وغير ذلك.^{۳۴}

با توجه به تعریف فوق، الجامع‌الصحیح از محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق) و الجامع‌الصحیح از مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (م ۲۶۱ق) گذشته از آن‌که در شمار صحاح هستند، از جوامع حدیثی نیز محسوب می‌شوند.

همچنین کتاب سنن الترمذی (الجامع‌الصحیح) از محمد بن عیسی ترمذی (م ۲۷۹ق) را هم می‌توان در شمار کتاب‌های جوامع دانست.^{۳۵}

گفتنی است که نگارش تک‌نگاری‌های موضوعی - که قبلاً با جزء‌های موضوعی شروع شده بود - در این دوران به اوج خود نزدیک گردید.

۴ - ۲. دوره پردازش‌های تکمیلی و جانبی

با توجه به این‌که بیشتر سبک‌های نگارش‌های حدیثی در طول چند قرن آغازین شکل گرفته بود، در این مرحله، سبک‌ها بیشتر در خدمت علوم حدیث دیده می‌شود. بنابراین، سبک‌هایی مانند

۳۳. الرسالة المستطرفه، ص ۳۲.

۳۴. همان، ص ۴۲.

۳۵. گفتنی است که جلد اول، دوم و نیمه‌ای از جلد سوم سنن ترمذی تماماً فقهی است، ولی از نیمه جلد سوم به بعد - که حدوداً نصف کل سنن ترمذی است - بیشتر احادیث غیر فقهی است و به همین جهت، از سیر کتاب‌های فقهی خارج شده و به نظر می‌رسد که لفظ سنن برای آن مجازی باشد.

از سویی دیگر، سنن ترمذی فاقد تمامی ابواب جوامع است؛ مثلاً احادیث عقایدی را - که از مشخصات کتب جوامع است - در بر ندارد. بنابراین، باید سنن ترمذی را از پایه سنن‌ها فراتر و از تعریف جوامع پایین‌تر بدانیم و با قدری تسامح، آن را در شمار «الجامع‌الصحیح» بدانیم.

«مشيخه‌نویسی»، «طبقات‌نگاری»، «رجال‌نویسی» و کتاب‌هایی در نقد الحدیث، درایه الحدیث و نظایر آن، در این دوره بیشتر شکل گرفت.

چ. مستخرج‌نگاری، مستدرک‌نویسی، زوائد

اما در دامنه کتاب‌های حدیث پس از نگارش‌هایی که در مراحل گذشته به وجود آمد، نویسندگان جدید بر برخی از نویسندگان سابق خرده گرفتند که کارهایی را ناتمام انجام داده‌اند و یا می‌توانستند با طریق دیگر و یا باحواشی بیشتری کتابی را کامل نمایند.

از این رو سبک‌های، «مستخرج‌نگاری»، «مستدرک‌نویسی»، و «زوائد» در این مرحله به وجود آمد که به تکمیل و یا ویرایش و اضافات پژوهش‌های پیشین می‌پرداختند.

مولف «مستخرج»، احادیث کتابی را با سند خویش از مشایخش نقل می‌کند که این سند، غیر از طریقی است که صاحب کتاب اصلی آورده است؛^{۳۶} مانند: المستخرج ابی‌بکر اسماعیلی نسبت به صحیح البخاری و المستخرج ابو‌عوانة یعقوب بن اسحاق اسفراینی (م ۳۱۶ق) نسبت به صحیح مسلم. کتاب المستدرک علی‌الصحیحین، از ابو‌عبدالله محمد بن عبدالله الحاکم النیشابوری (م ۴۰۵ق) هم در همین دوران نگارش یافت. روش حاکم نیشابوری بر این بود که احادیثی را که بنا بر شرط (روش و مبنای) بخاری و مسلم، صحیح بوده و لکن آن دو نیاورده‌اند، به عنوان مستدرک نقل کند.

همچنین برخی از مؤلفان، احادیث دو دسته کتاب را با یکدیگر مقایسه کرده، و احادیث اضافی یکی بر دیگری را در یک مجموعه جدید تدوین نمودند. این‌گونه مجموعه‌ها را «زوائد» گویند.^{۳۷}

مجمع‌الزوائد و منبع‌الفوائد، اثر نورالدین هیثمی (م ۸۰۷ق)، اتحاف المهره بزوائد المسانید العشرة، اثر ابوالعباس شهاب‌الدین بوسیری (م ۸۴۰ق) و المطالب العالیة بزوائد المسانید الشمانیة، اثر ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) از نخستین زوائد نگارش یافته در قرن نهم هستند.

به عنوان نمونه، می‌توان به روش تدوین مجمع‌الزوائد و منبع‌الفوائد، اثر هیثمی اشاره کرد. او در این کتاب، احادیث زاید بر صحاح شش‌گانه را از مسند احمد و ابویعلی و بزار و سه معجم طبرانی استخراج کرده است و صحت و ضعف هر حدیث را نیز بررسی نموده است. کتاب‌های زوائد در شمار کتاب‌های ضعیف اهل سنت است.

در مرحله چهارم، نگارش‌ها به سویی می‌رفت که نویسندگان سعی می‌کردند تا کتاب‌ها را برای عموم سهل الوصول و قابل استفاده‌تر بنمایند. سبک‌ها و گونه‌های «اطراف‌نگاری»، «مختصر نویسی یا تلخیص کتب پیشینیان» و «اربعین‌نگاری» برخاسته از این نوع تفکر است.

ح. اطراف‌نگاری

یکی دیگر از گونه‌هایی که برای خدمت به محققان علوم حدیث در این مرحله گسترش یافت، سبک

۳۶. الرسالة المستطرفة، ص ۳۱.

۳۷. کتب الزوائد: الاحادیث التي یزید بها بعض کتب الحدیث علی بعض آخر معین (الرسالة المستطرفة، ص ۱۷۰).

«اطراف‌نگاری» است. این سبک پیش از این، در قرن پنجم، به صورت بسیار بسیط و اولیه ابداع شده بود، ولی از قرن ششم به بعد، با همت محدثان پُرکاری چون ابن‌عساکر (م ۵۷۱ق)، یوسف بن عبدالرحمن مزّی (م ۷۴۲ق) و ابن‌حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) به گونه‌ای روشمند وارد مرحله‌ای جدید شد.

مقصود از کتاب‌های اطراف، کتاب‌هایی است که مؤلف به ذکر برجسته‌ترین بخش حدیث قناعت می‌کند. آن‌گاه، طرق نقل و اسانید آن حدیث را از مأخذی که آن را روایت کرده‌اند، یکجا گرد می‌آورد. بنابراین، می‌توان گفت که کتاب‌های اطراف، در واقع، حکم فهرست راهنما یا فرهنگ حدیث‌یاب را دارند.^{۳۸}

مشهورترین کتاب در این سبک، تحفة‌الاشراف بمعرفة الاطراف، اثر یوسف بن عبدالرحمن مزّی (م ۷۴۲ق) است.

حافظ مزّی در این کتاب، اطراف احادیث کتاب‌های شش‌گانه و برخی دیگر از کتاب‌های اهل سنت (مقدمه کتاب مسلم، مراسیل ابی‌داود، علل ترمذی، شمائل ترمذی، عمل الیوم و لیلة نسایی) ربایان کرده است.

خ. جمع الجوامع

در مرحله پایانی تدوین، غیر از سبک‌های اشاره شده، گونه‌های دیگری نظیر موسوعه نگاری‌های یا جوامع فراگیر است که در تعابیر سنیان از آن «جمع الجوامع» یاد می‌شود نیز به چشم می‌خورد.

جامع الاصول ابن اثیر (م ۶۰۶ق)، جامع المسانید ابن کثیر (م ۷۴۴ق) و جمع الجوامع سیوطی (م ۹۱۱ق) در شمار کتاب‌های فراگیر هستند. معمولاً در این کتاب‌ها مجموعه احادیث چندین کتاب بزرگ با چینشی جدید عرضه می‌شود. مثلاً درباره کتاب جمع الجوامع سیوطی آورده‌اند:

جمع فيه بين الكتب الستة وغيرها وقد قصد في كتابه هذا جمع الاحاديث النبوية بأسرها. وقال المناوي: انه مات قبل أن يتمه وقد اشتمل كتابه على كثير من الاحاديث الضعيفة، بل والموضوعة وقد ذهب ترتيبه علاء‌الدین علی بن حسام الهندی (م ۹۷۵ق) فی کتابه کنز العمال.^{۳۹}

چنان‌که ملاحظه گردید، گذشت زمان موجب تحول، پیدایش و تکامل نوشته‌ها و کتاب‌های حدیثی در شیعه و سنی گردیده است؛ یعنی هر چقدر از سال‌های آغازین تدوین فاصله می‌گیریم، نگارش‌ها معمولاً بهتر و قابل استفاده‌تر می‌گردد. این نکته را نیز باید در نظر داشت که در طول این مراحل، بسیار دیده می‌شود که سبک‌ها از فراز و نشیب‌هایی برخوردارند و گاه قرن‌هایی را شاهد هستیم که هیچ سبک نو و جدیدی ابداع نشده است و چه‌بسا حدیث‌نگاری در سده‌هایی کاملاً متوقف گردیده است. این توقف‌ها بیشتر در حوزه حدیث‌نگاری شیعی بوده است و آنچه کاملاً مشهود

۳۸. تاریخ عمومی حدیث: ۱۷۹.

۳۹. الحدیث والمحدثون، ص ۴۴۶.

است، آن است که اهل سنت، در تقریباً، در تمام قرن‌ها مبدع سبک‌های جدید بوده‌اند. گفتنی است که بررسی عوامل این‌گونه تحولات، نوشتاری مستقل را می‌طلبد.

کتابنامه

- تاریخ عمومی حدیث، مجید معارف، کویر، اول، ۱۳۷۷ش.
- الحدیث و المحدثون، محمد ابوزهو، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۴ق.
- درایة الحدیث، کاظم مدیر شانه‌چی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۲ش.
- رجال النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی نجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۴۱۶ق.
- الرسالة المستطرفة لیبان مشهور كتب السنة المشرفة، محمد بن جعفر الکتانی، قاهره: مكتبة الكليات الازهرية.
- الشيخ النجاشی، حسن عیسی الحکیم، ۱۴۲۳ق.
- فرهنگ بزرگ سخن، حسن انوری، تهران: سخن، ۱۳۸۱ش.
- فرهنگ معاصر عربی - فارسی، آذرتاش آذرنوش، تهران: نشر نی، چهارم، ۱۳۸۳ش.
- الفهرست، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، مؤسسة النشر الفقاهة، اول، ۱۴۱۷ق.
- لسان العرب، ابوالفضل جمال‌الدین ابن منظور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۰۵ق.
- لغت‌نامه، علی‌اکبر دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش.
- مستنویسی در تاریخ حدیث، سید محمدکاظم طباطبایی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، اول، ۱۳۷۷ش.
- معجم مصطلحات الرجال و الدرایة، محمد رضا جدیدی نژاد، قم: دارالحدیث، دوم، ۱۴۲۵ق.
- نهاية الدرایة، سید حسن صدر، قم: نشر مشعر.